

کسپت

درباره تازه‌ترین نمایشگاه مفهومی در گالری آران بازی اعصاب



فرید امین‌الاسلام

■ جمعه ۱۰ شهریور نمایشگاه هنرهای مفهومی با عنوان «امریکا خوشگله» شامل ویدیو و چیدمان در گالری آران گشایش یافت. این نمایشگاه برخلاف عنوانش دربراره آمریکا نیست. درباره برداشت هنرمندان از آمریکاست. در یادداشت نمایشگاه به قلم انتخاب‌کننده آثار ماهر طوسی آمده: «آمریکا بارها و بارها کشف شده است و این روند همچنان ادامه دارد. در برخورد با آمریکا هر بار با تغییر جدید و متناقضی روبه‌رو می‌شویم که برساخته ذهن ماست: سرزمین آرزوها، بروهت عاری از فرهنگ، ینگه دنیا فرقی نمی‌کند. بسته به اینکه کجای این سیاره‌زندگی می‌کنیم این تغییر هم تغییر می‌کنند، گویی تداوم حیات آن به بازتابش در جهان بیرون بسته است.»اولین اثر نمایشگاه ویدیوآرت سلماتهای که روی سه‌ آل‌سی‌دی و شامل یک ویدیو و یک متن و یک تصویر ثابت (بخشی از اثر) بود، تصاویر مستند از تسخیر لانه جاسوسی است که بارها دیده شده است. نکته‌اصلی این ویدیو تصویر کودکی است که در تصویر ثابت ویدیو روی عکس ثابت بالا رفتن دانشجویان از در سفارت کولاًز شده است و حکایت ارتباط نسل جدید با اتفاق سال ۱۳۵۸ را دارد. نکته برجسته ویدیو در آرایه آن است. اثر بعدی نمایشگاه کلین «بازی اعصاب» بود که در اکثر برنامه‌های سرگرمی تلویزیون دیده‌ایم؛ عبور حلقه متحرک از سازه‌ای متصل به برق طوری‌که با برخورد با سازه، صادی بوقی شنیده می‌شود. این اثر با نام دروازه شماره ۵۰ یادآور آمریکا، سرزمین سرگرمی است؛ سرزمینی که با ایجاد مراکز تفریحی و سرگرمی، مردم خود و دیگران را دچار اعتیاد تفریح بی‌حد و حصر و خودفراموشی می‌کند. از آثار برجسته نمایشگاه تکه‌دوزی‌های سپیده ترقی‌کد بود که روی بالش با اندازه‌های متفاوت پرچم آمریکا را دوخته بود. بالش که نماد آسایش و رفاه است تلقی بسیاری از مردم جهان از آمریکاست؛ بسیاری از مردم که با راحمت زیادی خود را به آمریکا می‌رسانند تا به رویای خود یعنی آسایش و راحتی برسند. توپ‌های پینگ‌پنگ اثر بهزاد هافتی از دیگر آثار جالب نمایشگاه بود که با ستاره‌های پرچم آمریکا تزئین شده بود. البته ورزش پینگ‌پنگ تداعی‌کننده کشور چین است اما با چاپ دیجیتال ستاره‌ها روی آن



می‌توان به سیاست خارجی آمریکا در مورد چین فکر کرد که در زمان نیکسون شکل گرفت و آن نفوذ در چین با ورزش بود. البته نحوه آرایه این توپ‌ها در نمایشگاه مناسب نبود چون توپ‌ها به صورت آزاد روی کف نمایشگاه سرگردان بودند و به دلیل تعداد کپشان به چشم نمی‌آمدند. به نظر می‌آید تعداد توپ‌ها باید آنقدر زیاد می‌بود که بیشترین مساحت کف سالن را به خود اختصاص می‌داد. اثر دیگر ساخته ماهر طوسی‌فندک با مقیاس بزرگ با عنوان زپیو (مارک معروف فندک) بود که با ورق گالوانیزه ساخته شده و نمادی از فرهنگ مصرفی آمریکاست. اثر برجسته دیگر نمایشگاه مجسمه علی هنرور بود. سازه‌ای بیضی‌شکل با حفره‌هایی تعبیه‌شده که در هر کدام نمایی از آمریکا بود؛ فیلم «دار و دسته نیویورکی‌ها» و «نظر آسمانخراش‌های نیویورک» و مناظری دیگر. جعبه سیاه عنوان اثر پروین شکری بود که قطعه‌ای چدنی در میان تلی از خاک و شاید نمایش علاقه به آمریکا در قطعه‌ای سقوط‌کرده روی زمین بود.

دو اثر دیگر قطعه‌ای برنجی از حامد رشتیان بود که قاره آمریکا روی آن حکاکی شده بود و اثر نسترن صفایی که چهار حالت دهان را هنگام تلفظ کلمه آمریکانشان می‌داد و بیشتر کارکرد تزیینی داشتند تا کارکرد مفهومی. سیامک سریع‌القم هم با چاپ دیجیتال پرچم آمریکای روی آسفالت ترک‌خورده که رژه انقلابیون روی پرچم آمریکا را تداعی می‌کرد اثری قابل توجه آرایه کرده بود؛ پرچمی که همراه با پس‌زمینه خود ترک خورده و در حال نابودی است. آخرین اثر هم ویدیوآرت کار مشترک ابو فرمان و لئونور کارابالو بود که فقط تشویق تماشاگران انواع برنامه‌ها و شوه‌های مختلف تلویزیونی بود که نشان می‌داد شاید خود آمریکا هم یک نمایش و شو بزرگ است که مورد تشویق عوام قرار می‌گیرد. نکته آخر و به عنوان جمع‌بندی این است که بعضی از آثار آرایه‌شده به سمت تزیینی شدن و کارکرد دکوراتیو می‌رود که شاید بیشتر به دلیل دغدغه فروش اثر است؛ آفتی که گریبانگیر هنر مفهومی در ایران شده و باید از آن پرهیز کرد.

گفت‌وگو با «بیژن بصیری» هنرمند ایرانی مقیم ایتالیا

جاده هنر بازگشت ندارد

هلیا همدانی

بیش از دو دهه است که شهرداری سن‌دئاتوول دی کومینو، واقع در استان لاتزیوی ایتالیا، پروژه‌ای به نام «شهرداری قدیم برای هنر معاصر» را برگزار می‌کند. ایده اصلی این رویداد، فراهم کردن فضایی است برای نمایش آثار هنرمندان معاصر در قلب دهکده‌ای کهن. تا به امروز آثار هنرمندان مشهوری چون کاندینسکی، پیکاسو، دیکریگو، ما بیریچ، سل لویت، گوتوزو، مرτζ پیستولتو، اسکیفاتو، فابرو و کاستانی، در این رویداد سالانه به نمایش درآمده است. امسال شهرداری سن‌دئاتو از بیژن بصیری، هنرمند ایرانی ساکن ایتالیا، دعوت به عمل آورد تا ایده‌پرداز شانزدهمین سال رویداد «شهرداری قدیم برای هنر معاصر» باشد. نام نمایشگاه «برالیا»ست. ایرالیا سرزمینی است که بیش از آنکه به مرزهای جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی اشاره کند به سرزمین اندیشه و خلاقیت و در یک کلام قلمروی هنر تعلق دارد. نمایشگاه در تاریخ چهارم اگوست (۱۴ مردادماه) افتتاح شد و تا دودم سپتامبر (۱۲ شهریورماه) برای بازدید عموم دایر بود. هنرمندان شرکت‌کننده در نمایشگاه که به گزینش بیژن بصیری و کیور توری (برنامه‌ریزی هنری) پرونو کورا برپا شده، عبارت‌ند از ندا شفیعی، نوید عظیمی سجادی، مازیار مختاری، لیلا میرزاخانی، راجا القانی، دوناتالاسپازتانی و سیمونه زاکائینی. بیژن بصیری متولد سال ۱۳۳۳ در تهران است. به سال ۱۳۵۴ برای تحصیل راهی ایتالیا شد، از آکادمی هنرهای زیبای رم فارغ‌التحصیل شد و تا امروز در این شهر زندگی و فعالیت می‌کند. وی یکی از هنرمندان فعال و شناخته‌شده دهه ۸۰ در ایتالیاست. به بهانه برپایی این نمایشگاه، فرصت را برای گفت‌وگو با او مغتنم شمردیم.

۴ با یک سوال ساده و شاید هم پیچیده آغاز می‌کنم. چگونه راه هنرمند شدن را برگزاردید یا ساده‌تر بگویم چه زمانی تصمیم گرفتید هنرمند شوید؟

هنرمند شدن چیزی نیست که زمانی تصمیم به انجامش بگیری، انگار چیزی مثل یک آهنربا در تو هست که در دیگری نیست. ناخودآگاه مجذوب می‌کند، حتی می‌توانم بگویم نیرویی هست که تو را محکوم به مجذب شدن می‌کند. اضطراری است که گریزی از آن نداری.

۴ به یاد مصاحبه‌ای اقدام که گفته بودید: «برای تحصیل به ایتالیا آمدم و می‌دانستم راهی که می‌روم، راهی بی‌بازگشت است!» مقصودتان همین جاذبه و اضطرار مسیر هنر بود؟

بله، من بر این باورم که در جاده هنر راه بازگشتی در کار نیست. البته همیشه امکان انصراف هم هست، به شرط اینکه بهیرید که اعلام ورشکستگی کنبد! مقصودم از بی‌بازگشتی این بود که معتقدم رسالت هنرمند، تنها آفرینش یک پدیده زبانیست (چپساکه در مواقعی اثر هنری به لحاظ استتیکیی به هیچ‌وجه زیبا نیست) بلکه تولید یک اندیشه و پذیرفتن مسوولیت آن است. زمانی که هنرمند ایده‌ای آرایه می‌کند، چیزی می‌آفریند که بازپس گرفتنی نیست. مثالی می‌زنم: لفظه‌ای که سران به طبیعت از منطری دیگر نگار می‌اندازد، همزمان مسوولیت گونه‌ای دیگر دیدن را و مسوولیت افزودن زاویه دید دیگری را می‌پذیرد. علاوه بر اینکه راه بازگشت نداری، درجا زدن و متوقف شدن هم مجاز نیست.

۴ با وجود اینکه یکی از هنرمندان فعال دهه ۸۰ در ایتالیا هستید، هیچ زمان عضو گروه‌های جنبش‌های هنر معاصر ایتالیا نبودید، برای مثال آرته پوورا یا ترانس آوتاکارد، به چه دلیل؟

در واقع من همیشه به نوعی هنرمند منفردی بودم. علاوه بر این، آغاز فعالیت من مصادف با دهه‌ای بود که فردیت هنرمند دوباره به چالش کشیده شده بود تلاشی برای دستیابی به هویت.

۴ ایده‌ای تحت عنوان «طبیعت آتشفشانی» نقطه کانونی و منبع الهام در کارهای شماست، این اندیشه از کجا پدیدار شد؟

هسته اولیه این تفکر در سال ۱۹۸۴ شکل می‌گیرد. به شهر ناپل سفر کرده بودم و برای نخستین بار در مقابل دهانه آتشفشان قرار گرفتم. احساس کردم به جایی پا گذاشته‌ام که زمان وجود ندارد، تاریخ ناپدید شده و عمق و سطح زمین با هم آمیخته‌اند. پس از آن گمان کردم اینجا می‌تواند شبیه به متن ترون من باشد؛ عمقی که نزدیک شدن به آن دشوار است. منوجه شده که این فضا به احساس من نزدیک است. آتشفشان، منبع الهامم شده بود و افکارم گویی از مذاب آن می‌جوشید. اثر هنری، همان سنگ آسمانی پس از فوران است.

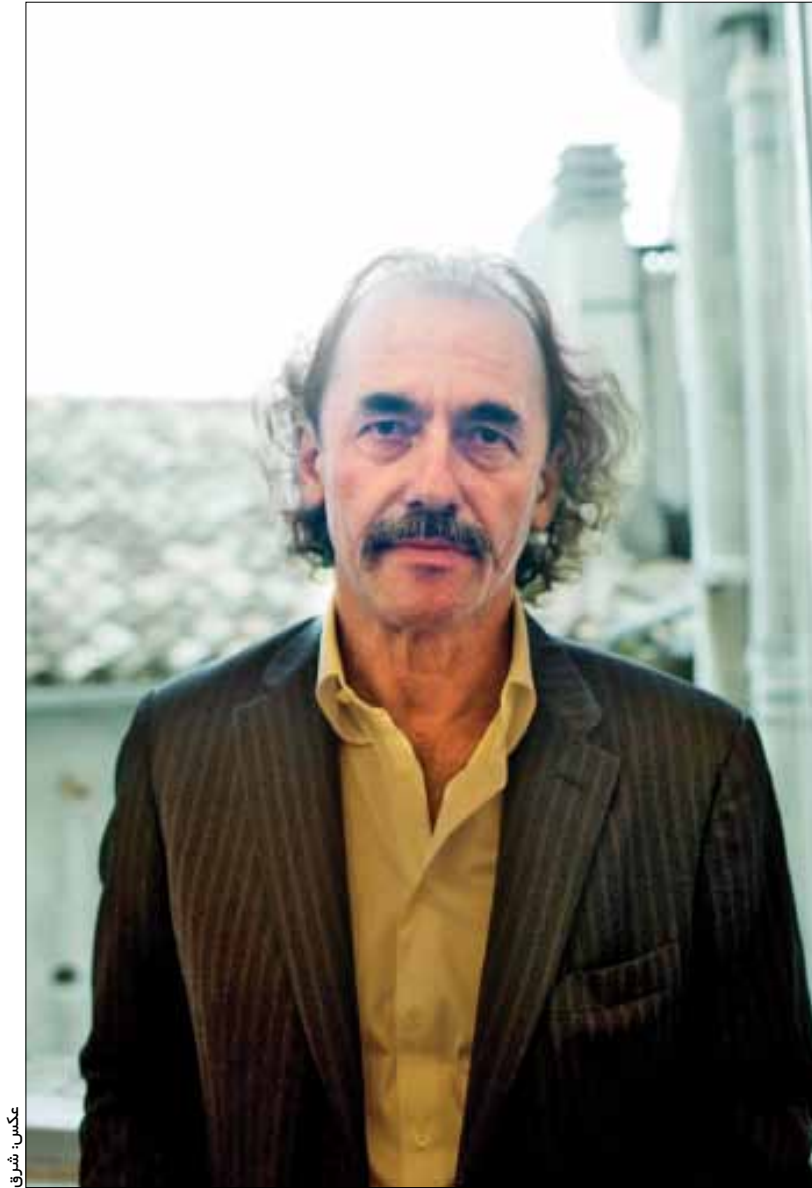
۴ شما از همان سال بر اساس اندیشه آتشفشانی، بیانیهای تنظیم کرده‌اید که تا امروز در حال تکمیل شدن است، به این معنی که در مسیر تجربه‌های هنری‌تان، بندهایی به آن می‌افزاید. این روزها چه پروژه‌ای در راه دارید؟

کارهای چند سال اخیر زیر این تیتیر قرار می‌گیرند: «بارش سنگ‌های آسمانی در ساعاتی از حیات، رخداد بینش را پیش‌بینی می‌کنند؛ تمام کار هنر، جسمیت بخشیدن به روحی است که همچون احساسی آتشفشانی، همچون خونی گرم در رگ‌هایت حس می‌کنی. بسیاری وقت‌ها به محض اینکه به ایده‌ای جسمیت می‌بخشی، روح از دست می‌رود. کار هنرمند دانستن ندادن این روح در حین جسمیت بخشیدن به اثر است؛ کاری که اغلب غیرممکن و با این حال وظیفه هنرمند است. در بعضی آثار این روح مشهود است؛ مثلاً در پیکرهای نحیف جاکومتی، روح انزوا حس می‌شود. به همین دلیل کار هنری بسیار به فضای معنوی و روحانی



نمایش آن نمایشگاه هنر مدان ایران وایتالیا در لاتزیو

تجسمی



بیژن بصیری

بر ایسن باورم هنرمندانی که برگزیدیم پذیرفته‌اند که راه سختی در پیش دارند. نقطه اشتراکشان در پذیرش مسوولیت برای پیمودن راه دشواری است که برای بسیاری غیرممکن می‌نماید. استقامت در راه پر فراز و نشیب هنر، به معنای از دست ندادن توانایی روپایندازی، حفظ شفافیت‌ها و حساسیت‌هاست. برای هنرمندان خارج از کشور، بی‌شک

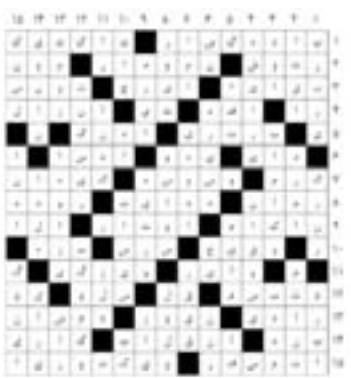
این مسیر دشوارتر هم هست و براین باورم که هنرمندان این نمایشگاه مسوولانه در این مسیر گام بر می‌دارند.

۴ نتیجه این نمایشگاه را چگونه برآورد می‌کنید، یا بهتر بگویم موفقیت یک نمایشگاه را چگونه می‌سنجید؟

افقی:
۱- به خدمت بر خاست- سرسرای بزرگ ورودی- پسوند شباهت ۲- در حمام

پیدا می‌شود- مرکز عدسی- از الفبا ۳- پارچه نخی ساده- بانگ و آواز- تانسپس‌کننده ۴- کنده کاری روی چوب- درخشندگی- برخلاف ۵- مار بزرگ- کلفت نیست- متذکر ۶- نامی دخترانه- از امراض عصبی- نوعی خواهر و برادر ۷- پروتئین پنیر- در یک جهت- نیچی از یگان ۸- کنسی که پیشاپیش زایبان حرکت کند و آواز خواند- همنام ۹- ضمیر اشاره- بی‌تجربه- جمع نکته ۱۰- تار وارونه- دریاچه‌ای در فارس- کوهی در اردبیل ۱۱- گازی که در جنگ‌ها و اعتصابات عمومی به کار می‌برند- ارث برنده- خشک است و بسیار جدی ۱۲- پاک- پایتختی در اروپا- پارچه کهنه ۱۳- روا، مباح- اهلی- راه وسیع ۱۴- طولانی‌ترین رود- چهره نما- دانه‌ای تلخ مزه از نوع ارزن ۱۵- جای خارجی- شکسته- جزیره خلیج فارس

حل جدول ۱۵۹۰:



سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه تر کیبی ژاپنی به معنای عدددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.



ادامه از صفحه ۹

بی‌خدا حافظی فیلم غمگینی است

مثلاً شخصیت نامزد «سسیم دانش»؛ آدم راحتی نیست به دلایلی ارتباطشان یک‌طرفه است، اصلاً نمی‌تواند حرف بزند. دوست داشتم اگر کسی در زندگی او وجود دارد این طوری باشد؛ هست و نیست. اصلاً یک جاهایی فکر می‌کنند باخودش حرف می‌زند اما در یک لحظه، در یک نقطه عطف صدای طرف مقابلش را می‌شنویم. «سسیم» زمین را می‌ساید، تمام نفرت و ناراحتی‌اش را بیرون می‌ریزد و از آن طرف نهایتاً صدا می‌آید و می‌گوید گوش می‌کنم. سسوالش این است که واقعاً نمی‌شود هم زندگی کرد و هم سالم ماند؟ سردبیر می‌گوید نتیجه رفتارات می‌شود مثل رضا صادقی. برای اولین بار می‌بینیم که «سسیم دانش» گریاش می‌گیرد و بالا سر رضا صادقی می‌رود. برای ما «سسیم دانش» و «رضا صادقی» دو روی سکه هستند. او در لحظه‌ای که آن افراد را در دفتر روزنامه می‌بیند تازه می‌فهمد باریچه بوده است تا از مرده آن آدم هم پول در آورند، آن وقت می‌فهمد چه بلایی سر «رضا صادقی» آورده‌اند که به کما رفته است.

۴ در نهایت آیا همه چیز این قدر تلخ است؟
فقط می‌توانم بگویم بی‌خدا حافظی فیلم غمگینی است.

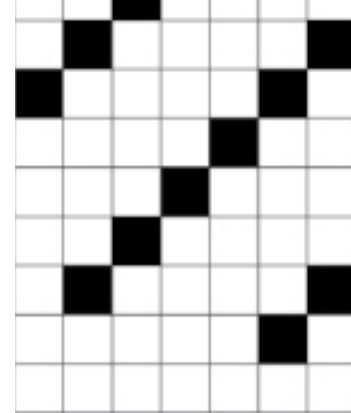
۴ از جایگاه این فیلم در کارنامه‌تان راضی هستید؟
زمان در سینما خیلی تاثیرگذار است. من زمانی که فیلم «غریبانه» را ساخته بودم برخی دوستانم می‌گفتند فیلم را دوست نداریم، اما الان می‌گویند وقتی فیلم را می‌بینیم حس و حال خوبی دارد. من خیلی از لحظه‌های این فیلم را دوست دارم و فکر می‌کنم خوب از آب درآمده است. سلیقه و نگاهم در آن هست.

۴ حضور در تلویزیون، شما را از سینما بی‌نیاز نمی‌کرد؟

در تلویزیون مخاطبان خیلی وسیعی داشتم و بازخوردهای خوبی که پس از «اولین شب آرامش» و «بیگناهان» داشتم کاملاً مرا ارضا می‌کرد. اما سینما هم جذایت‌های خودش را دارد. در هنگام خلق اثر هنری خیلی به نتیجه‌اش فکر نمی‌شود. اشتیاق به این رسانه وجود دارد. اشتیاق به این رسانه دارد. اینکه بروم بسازم ببینم چی از آب در می‌آید. این نکته مطرح است که حظور می‌توان خود را محک زد. من وسوسه شدم ببینم می‌توانم از پس یک کنسرت با سه دوربین بر بیایم؟ یک جالش است تا ببینم از پس این همه بازیگر شناخته‌شده و قصه کوچک برمی‌آیم؟ همه اینها باعث می‌شود آدم راضی شود که کاری را آغاز کند. فیلم، تجربه‌های تازه‌ای داشت که حداقل خودم را به عنوان کارگردان محک بزنم و ببینم چقدر از پس چنین کارهایی برمی‌آیم.

۴ یعنی این فیلم را یک بازگشت موفق می‌دانید؟
فیلم ایده‌آل من نیست اما در شرایط موجود سینما برای من راضی‌کننده است.

دورقمی- لاستیک ماشین ۸- دفتر شاخص- پیش روی من ۹- مرکز بریتانیا- انتها- واحد پول آمریکا- بله بسی‌آدب ۱۰- نغمه و بانگ- اثری از فدریکو گارسیالورکا- زاده‌گو ۱۱- ریشه- ضرور بودن- ستایشگر ۱۲- همسر زن- جلادهنده کفش- چرم مرغوب و خوش بو ۱۳- ارمان- نوعی سبزی- و سنی ۱۴- لوازم نوزاد- بی‌عاری- خاک سفالگری ۱۵- همنشین جن- پایتخت لتونی- قدرت و توانایی

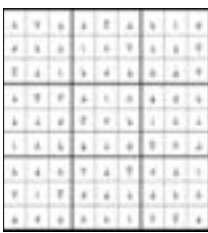


قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.



سودوکو سخت ۲۴۵

حل سودوکو سخت



سودوکو ۵۹۶

حل سودوکو ۵۹۵

